




Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/pg.2021.67119.0>

مقاله پژوهشی

## نقش اتحادیه اقتصادی اوراسیا در توسعه تجارت خارجی ایران

سمیه طالب‌پور (دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)

[s.talebpoor@tabrizu.ac.ir](mailto:s.talebpoor@tabrizu.ac.ir)

محمود نورانی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

[mahmod.nourani@modares.ac.ir](mailto:mahmod.nourani@modares.ac.ir)

رضامحمدپور (دانش‌آموخته دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

[mohammadpour.r@ut.ac.ir](mailto:mohammadpour.r@ut.ac.ir)

صص ۷۹-۱۰۲

### چکیده

همگرایی منطقه‌ای در انواع مختلف در بخش‌های مختلف جهان صورت می‌گیرد که تشکیل اتحادیه گمرکی یکی از انواع آن است. اتحادیه گمرکی اوراسیا سال‌ها پس از فروپاشی شوروی و تجربیات مختلف همگرایی که کشورهای پسا شوروی آن را تجربه کرده‌اند، اکنون جدیدترین و مهم‌ترین روند همگرایی در منطقه پسا شوروی است. اتحادیه گمرکی اوراسیا در سال ۲۰۱۰ ایجاد شد و در سال ۲۰۱۵ وارد مرحله اتحادیه اقتصادی اوراسیا گردید. گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد سبب شد تا روابط و همکاری کشورها در جهت تحصیل منافع در قالب همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشور ایران قرار گیرد. تعامل با اتحادیه اقتصادی اوراسیا ایران را در ایجاد زمینه‌های لازم برای تجارت ترجیحی و همگرایی اقتصادی با خود مشتاق نموده است. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی تلاش می‌کند تا جایگاه ایران در تعامل با منطقه اوراسیا را با گزاره‌های اقتصادی بیان کند. با توجه به اینکه بین ج.ا.ایران و این اتحادیه مذاکراتی در خصوص امضای توافقنامه تجارت آزاد اقتصادی در جریان است و این امر می‌تواند پیامدهایی بر کشور داشته باشد، اهمیت فهم روندی که در حال اتفاق است دوچندان می‌شود.

**واژگان کلیدی:** اتحادیه اقتصادی، اتحادیه گمرکی، اوراسیا، تجارت خارجی، همگرایی منطقه‌ای

## ۱. مقدمه

انگیزه اصلی کشورها در حرکت به سوی آزادسازی تجاری، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بالاتر در بستر اقتصاد جهانی است. امروزه جهانی شدن سبب باز شدن اقتصادهای ملی در ابعاد داخلی و خارجی شده و ضمن بین‌المللی نمودن بازار جهانی محیطی کاملاً رقابتی ایجاد نموده است که در آن تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد مجال بقا خواهند داشت (Valizadeh & Alizadeh, 2018:515). کشورها تلاش می‌کنند که از طریق منطقه‌گرایی به مزیت رقابتی در بازار جهانی دست یابند تا مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل نمایند. گام بعدی پس از همگرایی منطقه‌ای، شکستن دیوار مرزها و تشکیل بلوک‌های تجاری با کشورهای هدف است که زمینه‌ساز توسعه روابط تجاری و همگامی با فرایند جهانی شدن می‌باشد و باز شدن اقتصاد کشورها نیز از مزایای آن در مراحل بعد خواهد بود.

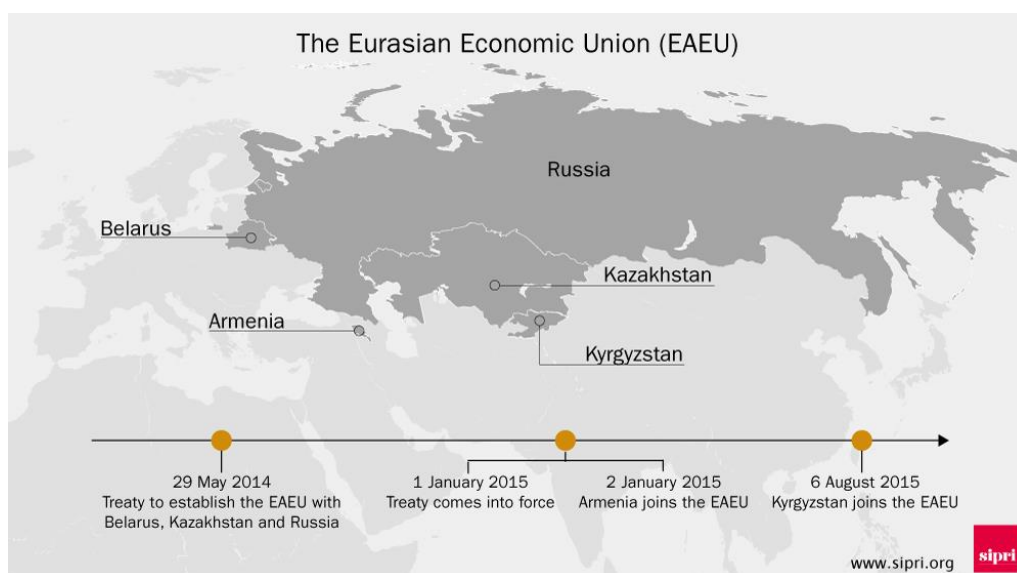
گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد سبب شد تا روابط و همکاری کشورها در جهت تحصیل منافع در قالب همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشور ایران قرار گیرد. تعامل با چنین کشورهایی ایران را در ایجاد زمینه‌های لازم برای تجارت ترجیحی و همگرایی اقتصادی با خود مشتاق نموده است. برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آن‌ها در اقتصاد جهانی باشد. ایران یک قدرت منطقه‌ای در جنوب غربی آسیا است و جایگاه مهمی را به دلیل در اختیار داشتن صنعت نفت، صنعت پتروشیمی، گاز طبیعی و خودروسازی برای خود و اقتصاد جهانی به دست آورده است و خطوط و مواصلات بین‌المللی شرق و جنوب شرق آسیا و اروپا توسط ایران فراهم می‌باشد. ویژگی‌های جغرافیای سیاسی ایران در حفاصل منطقه آسیای مرکزی، خزر، خلیج فارس و غرب آسیا همواره زمینه‌های بالقوه‌ای را برای پیشبرد اهداف اقتصادی-منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران ایجاد کرده است. (Alavi Far, 2016:2). تحولاتی که در حوزه همسایگان شمالی کشور ایران رخ می‌دهد پیوندی ناگسستنی با منافع و امنیت ملی کشور داشته و دارد. پس از فروپاشی شوروی، روسیه دوره‌ای از نگاه به غرب و تلاش سیاست‌مداران این کشور برای نزدیکی به آمریکا و اروپا و گذار سریع به اقتصاد لیبرال و بازار آزاد را پشت سر گذاشت که به لحاظ سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی پیامدهای مثبتی برای این کشور در پی نداشت (March, 2012:404). به تدریج این نگاه جای خود را به رویکرد اوراسیایگرایی داد که رویکردی دیرپا در روسیه می‌باشد (Shlapentokh, 2006:12).

اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EEU)<sup>1</sup> یک سازمان بین‌المللی برای ادغام اقتصاد منطقه‌ای است که دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است. هدف اصلی از ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا را باید تلاشی در مسیر تحقق "پروژه همگرایی اوراسیا" دانست که دست‌یابی به اهداف سیاسی را از مسیر اقتصاد دنبال می‌کند و به‌منظور نیل به این هدف، چهار سیاست

1 Eurasian Economic Union (EEU)

"توسعه‌سازمانی"، "توسعه داخلی"، "توسعه از مسیر روابط دوجانبه" و "توسعه خارجی" را پیگیری می‌نماید. به عبارت دیگر، تعمیق و گسترش همکاری از طریق ساختار سازمانی، دولت‌های عضو و شرکای خارجی را در دستور کار قرار داده است (Li, 2018:95).

این اتحادیه در ۱ ژانویه ۲۰۱۰ ایجاد شد. کشورهای مؤسس آن بلاروس، روسیه و قزاقستان بودند. در ۲ ژانویه ۲۰۱۵ ارمنستان، نیز به آن اضافه شد. قرقیزستان نیز در ۶ اوت ۲۰۱۵ به این اتحادیه پیوست. معاهده‌ی ابتدایی که موجب ایجاد اتحادیه‌ی گمرکی شده بود با امضای موافقت‌نامه‌ای در ۲۰۱۴ که باعث تشکیل اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا شد فسخ گردید. موافقت‌نامه‌ی جدید شامل یک اتحادیه‌ی گمرکی در قالب چارچوب قانونی اتحادیه اوراسیا بود.



نقشه ۱. نقشه‌ی جغرافیایی - سیاسی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا

منبع: [www.sipri.org](http://www.sipri.org)

تعاون و همکاری اقتصادی در واقع نوعی تمدن را به دنبال خود دارد که ورای وابستگی بیش‌تر انسان‌ها به یکدیگر و ایجاد محدودیت‌های خاص خویش، جلوه‌ای از رفاه را نیز عاید جوامع بشری می‌سازد. در این خصوص تجارت به عنوان شاه‌بیت رابطه اقتصادی بین کشورها و راهکاری اساسی در جهت کسب سود و منفعت بین‌المللی فراروی کشورها قرار می‌گیرد. هرچه قدر روابط تجاری در ساختار خود سود و منفعت بیشتری را عاید کشورها نمایند، از جذابیت بیشتری

برخوردار خواهند بود. یکی از تجربیات موفق در این زمینه، ایجاد توافقات تجاری ترجیحی<sup>۱</sup> است (Taibi & Taheri, 2005:5).

این روند همگرایی اقتصادی به لحاظ کیفی و کمی با طرح‌ها و اقداماتی که پیش‌ازین در این منطقه مطرح شده‌اند، متفاوت است. به دلیل پیامدهایی که این روند بر ساختار سیاسی و اقتصادی منطقه خواهد داشت؛ و نیز فرصت‌ها و چالش‌هایی که برای کشور ایران در پی خواهد داشت، لازم است تا روند تحولات مربوط به این موضوع مورد کنکاش قرار گیرد. با توجه به شرایط کشورهای عضو اتحادیه و نیز شرایط ایران (به‌عنوان یکی از اقتصادهای پرقدرت در منطقه خاورمیانه، داشتن منابع غنی معدنی و طبیعی و همچنین ذخایر فراوان نفت و گاز)، توسعه ارتباط ایران و کشورهای عضو به‌طور قطع موجب ارتقای تجارت منطقه‌ای و جهانی شده و کشورهای عضو می‌توانند بازارهای مناسبی در جذب صادرات ایران و تأمین نیازهای وارداتی ایران باشند.

این مقاله باهدف بررسی نقش اتحادیه اوراسیا در توسعه تجارت خارجی ایران نگاشته شده است. در بخش دوم این مقاله تاریخچه پیدایش اتحادیه اقتصادی اوراسیا بررسی شده است. در بخش سوم مقاله، ساختار و نهادهای مدیریتی اتحادیه تبیین شده است. سپس جایگاه کنونی اتحادیه اوراسیا و لزوم آن و همچنین منافع آن در دو بخش رشد و توسعه اقتصادی و تجارت خارجی مطرح شده است. در بخش پنجم، تجارت کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ مقایسه گردیده است. سپس نقش تعرفه در گسترش مبادلات تجاری ایران با اتحادیه اوراسیا مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان، جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی مطرح شده است.

## ۲. تاریخچه پیدایش اتحادیه اقتصادی اوراسیا

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، یکپارچگی اوراسیایی باهدف ساخت چارچوب جدیدی برای همکاری میان کشورهای بازمانده از اتحاد شوروی بنیان نهاده شد. مفهوم و نهادسازی مربوط به یکپارچگی اقتصادی اوراسیایی در طول دو دهه گذشته ظهور پیدا کرده است (Courtney, 2015:1). تلاش‌های متعددی در طول دو دهه گذشته به‌وسیله دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع<sup>۲</sup> انجام شده است تا یکپارچگی اقتصادی عمیق‌تری پدید آید (Mirfakhraee, 2015:151).

ریشه نظری تکوین اتحادیه اقتصادی اوراسیا را بایستی در پیشنهاد نور سلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان در سال ۱۹۹۴، در خصوص تکوین بلوک تجاری منطقه‌ای جستجو کرد. در سال ۱۹۹۵، بلاروس، قزاقستان و روسیه، کمی بعد قرقیزستان و تاجیکستان نخستین توافق‌نامه را جهت تأسیس یک اتحادیه گمرکی امضا کردند. هدف این بود که به‌مرور به سمت ایجاد مرزهای باز و بدون کنترل پاسپورت بین دولت‌های عضو پیش روند. در سال ۱۹۹۶ معاهده‌ای بین کشورهای

1 Preferential Trade Agreement (PTA)

2 Commonwealth of Independent States (CIS)

بلاروس، قزاقستان، روسیه و قرقیزستان امضا شد که طی آن به اتحاد اقتصادی کشورهای عضو و ایجاد بازارهای مشترک برای تبادل کالا، خدمات حمل و نقل، گردش اطلاعات و نیز انرژی تأکید شده بود. در سال ۱۹۹۹ بلاروس، قزاقستان، روسیه، قرقیزستان و تاجیکستان صحبت‌های اولیه را در خصوص معاهده اتحادیه گمرک و فضای مشترک اقتصادی با روشن کردن اهداف و سیاست‌ها و مسئولیت‌های فی مابین امضا کردند تا زمینه ایجاد اتحادیه گمرکی اوراسیا و فضای مشترک اقتصادی را در سال‌های بعدی فراهم کنند (Alavi Far, 2016:5).

فصل جدیدی از همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۰ آغاز شد. در این سال با پیشنهاد روسیه تصمیم به گسترش و هماهنگی فعالیت‌های اقتصادی در قالب جدید گرفته شد. از همین رو، دهم اکتبر ۲۰۰۰ کشورهای روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان جامعه اقتصادی اوراسیا را که شکل توسعه‌یافته‌تر اتحادیه گمرکی بود، بنیان گذاشتند. پس از تصویب سند تأسیس آن در پارلمان کشورهای عضو از ماه می سال ۲۰۰۱ میلادی جامعه اقتصادی اوراسیا به‌طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. در سال ۲۰۰۲ نیز مولداوی و اکراین و در سال ۲۰۰۳ ارمنستان به‌عنوان اعضای ناظر به عضویت این جامعه درآمدند. همگرایی اقتصادی در حوزه اوراسیای مرکزی در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ بر محور جامعه اقتصادی اوراسیا قرار داشت (Sajadpour & Soleimani Darchagh, 2016:105).

جامعه اقتصادی اوراسیا از سال ۲۰۰۷ به این سو با تحولات مهمی روبه‌رو گردید. مهم‌ترین آن‌ها اجرایی شدن اتحادیه گمرکی اوراسیا و نیز تشکیل فضای واحد اقتصادی در این منطقه بوده است. همان‌گونه که در بیان اهداف جامعه به آن اشاره شد، مهم‌ترین مقصود جامعه اقتصادی اوراسیا توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری، تشکیل اتحادیه گمرکی و فضای اقتصادی مشترک به‌منظور هماهنگ نمودن اقدامات اعضای جامعه و در راستای همگرایی با اقتصاد جهانی بوده است. در راستای اجرای این اهداف در سال ۲۰۰۷ سه کشور روسیه، قزاقستان و بلاروس در خصوص ایجاد یک اتحادیه گمرکی به توافق رسیدند. این اتحادیه در ابتدای ژانویه ۲۰۱۰ تأسیس شد که بر اساس آن مقرر گردید تا یک فضای واحد گمرکی مشتمل بر حذف مبادی گمرکی و مرزهای اقتصادی بین سه کشور و ایجاد تعرفه مشترک نسبت به کشور ثالث شکل گیرد. بر این اساس، اتحادیه گمرکی اوراسیا به معنی راه‌اندازی برنامه مبتنی بر کدهای گمرکی مشترک، تعرفه گمرکی یکسان، سیستم‌های حفاظتی برای بازار داخلی، یک سیستم مشترک برای تجارت خارجی و محیط قانونی مشترک با معافیت عوارض گمرکی و رفع محدودیت‌های اقتصادی را شامل می‌شد (Tabac, 2016:26).

در اکتبر ۲۰۱۱ سه کشور روسیه، قزاقستان و بلاروس در خصوص تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا با یکدیگر توافق کردند. از همان زمان کار بر روی تنظیم مفاد پیمان آغاز شد و سه سال بعد در ماه می ۲۰۱۴، پیمان تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا توسط سه کشور یادشده امضا شد. زمان اجرایی شدن آن از اول ژانویه ۲۰۱۵ پیش‌بینی شده بود. ارمنستان در ۹ اکتبر ۲۰۱۴ درخواست عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا را عنوان نمود که در ۲ ژانویه ۲۰۱۵ با آن موافقت شد و

از این تاریخ به عضویت اتحادیه درآمد. معاهده پیوستن قرقیزستان نیز در دسامبر ۲۰۱۴ امضا شد و از ۲۹ می ۲۰۱۵ عضویت کامل این کشور مورد توافق قرار گرفت (Sajadpour & Soleimani Darchagh, 2016:102). کمیسیون اقتصادی اوراسیا در گزارشی که از وضعیت این اتحادیه در شش ماهه نخست سال ۲۰۱۵ ارائه کرده است، تشکیل اتحادیه را با عنوان یک مجمع اقتصادی یکپارچه‌گرا باهدف حفظ منافع اقتصادی خود مجمع به شکل عام و کشورهای مشارکت‌کننده به شکل خاص معرفی می‌کند. با این حال، به‌منظور توسعه همگرایی هرچه بیشتر، سیاست گسترش اعضا و برقراری ارتباط با سایر کشورها در قالب موافقت‌نامه منطقه آزاد تجاری و یا موافقت‌نامه ترجیحی در اهداف کلان اتحادیه اوراسیایی مشاهده می‌شود.

نام ایران نیز برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا نخستین بار در ماه می سال ۲۰۱۵ مطرح شد که اولین حرکات در راستای امضای یک توافق‌نامه تجارت آزاد توسط کمیسیون اقتصادی اوراسیا اعلام شد. اتحادیه اوراسیا یکی از مهم‌ترین گروه‌بندی‌ها در همسایگی ایران است که دارای نقاط مشترک فرهنگی، سیاسی و ژئوپولیتیک با ایران بوده و از اهمیت ویژه‌ای برای این کشور برخوردار است. توافق با اتحادیه اقتصادی اوراسیا یکی از مهم‌ترین تجربه‌های جدی ایران در توافق با یک اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای است و یکی از کامل‌ترین و مفصل‌ترین موافقت‌نامه‌های تجاری ایران است. علاوه بر تشکیل اتحادیه گمرکی و فضای مشترک اقتصادی، روسیه تلاش کرده است تا با راه‌اندازی صندوق ضد بحران، ایجاد مرکز فناوری‌های برتر و نیز شورای کسب‌وکار در قالب جامعه اقتصادی اوراسیا، همگرایی اقتصادی را در میان کشورهای عضو افزایش دهد و درعین حال با ایجاد جذابیت‌های اقتصادی برای کشورهای این منطقه ضمن تعمیق همکاری‌ها، مانع عضویت کشورهای منطقه در گروه‌بندی‌های رقیب شود (Mankoff, 2011:18-20).

اهداف عمده اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر اساس راهبرد تعیین‌شده عبارت‌اند از:

- تسهیل تجارت
- ایجاد بازار مشترک بین کشورهای عضو اتحادیه
- حذف تدریجی قوانین گمرکی در داخل اتحادیه
- برقراری تعرفه مشترک در میان کشورهای عضو
- هماهنگ‌سازی تشریفات گمرکی
- جابه‌جایی آزاد کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات در مرزهای اوراسیا
- برقراری سیاست مشترک در زمینه انرژی، صنعت، کشاورزی و وسایل نقلیه

### ۳. ساختار و نهادهای مدیریتی اتحادیه

عالی‌ترین نهاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا، شورای عالی اقتصادی اوراسیا می‌باشد که شامل رؤسای جمهور کشورهای عضو اتحادیه می‌شود. جلسات آن حداقل یک بار در سال برگزار می‌شود. اولین جلسه از زمان آغاز به کار اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ۸ می ۲۰۱۵ در کرملین، روسیه برگزار شد. سران دولت‌های کشورهای عضو، عضو شورای اقتصادی بین دولتی اوراسیا هستند. آن شورا تضمین اجرا و نظارت بر اجرای تصمیمات شورای عالی را در سطح رؤسای جمهور فراهم می‌کند، احکام کمیسیون اقتصادی اوراسیا را می‌دهد، و هم‌چنین دیگر اختیارات را دارد. جلسات حداقل دو بار در سال برگزار می‌شود. اولین جلسه در تایخ ۶ فوریه ۲۰۱۵ در گورکی<sup>۱</sup>، محل اقامت رئیس دولت روسیه در حومه مسکو، برگزار شد. کمیسیون اقتصادی اوراسیا یک نهاد فعال دائمی نظارتی اتحادیه است. از وظایف آن می‌توان به تضمین شرایط برای عملکرد و توسعه اتحادیه، و هم‌چنین تدوین طرح‌های پیشنهادی در مورد مسائل همکاری اقتصادی اشاره کرد.

شورای عالی اقتصادی اوراسیا، مهم‌ترین رکن اتحادیه اقتصادی اوراسیا است که از سران کشورهای عضو تشکیل شده است. دومین رکن اتحادیه، شورای بین دولتی اوراسیا است که اعضای آن، نخست وزیران کشورهای عضو هستند. کمیسیون اقتصادی اوراسیا، رکن اجرایی اتحادیه است. مقر این کمیسیون به‌عنوان سازمان نظارتی بر اتحادیه گمرکی، در مسکو قرار دارد و متشکل از ده نفر است که از هر پنج کشور عضو، دو نفر نماینده در آن حضور دارد. در کمیسیون اقتصادی اوراسیا بیش از یک هزار نفر از متخصصان مربوطه مشغول به فعالیت هستند.

تصمیمات کمیسیون اقتصادی اوراسیا در صورتی که توسط دوسوم آرا در هیئت ده نفره تصویب شود، برای تمامی کشورهای عضو الزام‌آور خواهد بود. باین حال، هر یک از اعضا از طریق کمیسیون شورای اقتصادی اوراسیا که شامل معاونان نخست وزیران کشورهای عضو است، دارای حق وتو هستند. در صورتی که میان اعضا در خصوص موضوعی اختلاف وجود داشته باشد، موضوع اختلاف به نخست وزیران کشورهای عضو که دو بار در سال در قالب شورای بین دولتی اوراسیا با یکدیگر ملاقات می‌کنند، ارسال می‌شود.

معمولاً موضوعات خطیر و بحث‌برانگیز به شورای عالی اقتصادی اوراسیا، که سالانه در سطح سران برگزار می‌شود، ارجاع داده می‌شود. هم‌چنین یک نهاد قضایی تحت عنوان دادگاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا وجود دارد که به حل اختلاف و تفسیر مسائل حقوقی اتحادیه می‌پردازد.

## ۴. جایگاه کنونی اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا با جمعیتی بیش از ۱۸۳ میلیون نفر، ۲/۶ درصد از جمعیت جهان را داراست و کشورهای روسیه و قزاقستان به ترتیب با جمعیتی حدود ۱۴۴/۵ و ۱۸/۵ میلیون نفر رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. ایران نیز با وسعت ۱/۶ میلیون کیلومتر مربع دارای جمعیتی بالغ بر ۸۳ میلیون نفر می‌باشد. تولید ناخالص داخلی دربرگیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک دوره مشخص معمولاً یک سال در یک کشور تولید می‌شود و یکی از معیارهای تعیین توان و ظرفیت اقتصادی کشورها در تولید و مصرف می‌باشد (Saeedi, Saeedi, Dehghani, 2014: 111). سهم کشورهای عضو اتحادیه از تولید ناخالص داخلی حدود ۴/۷ تریلیون دلار و هم‌چنین تجارت خارجی کشورهای عضو با خارج از اتحادیه بالغ بر ۸۷۷ میلیارد دلار یعنی برابر ۳/۷ درصد صادرات و ۲/۳ درصد واردات کل جهان است. به عبارت دیگر، کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا حدود ۵۴۸ میلیارد دلار به جهان صادرات داشته و ۳۱۸/۵ میلیارد دلار نیز از جهان واردات کرده‌اند. در میان کشورهای اتحادیه، فدراسیون روسیه بیش‌ترین میزان جمعیت، تولید ناخالص داخلی و حجم تجارت با جهان را داشته است. هم‌چنین، اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارای سهم ۲۰/۷ درصدی از تولید گاز طبیعی در جهان را داراست.

جمعیت فعال اقتصادی در منطقه این اتحادیه ۹۴/۳ میلیون نفر هستند و تولید ناخالص داخلی منطقه ۳/۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهد. در بخش انرژی، مجموع تولید نفت کشورهای عضو حدود ۶۳۴ میلیون تن است که با سهم ۱۴/۶ درصدی در جهان، رتبه اول را دارد. در تولید گاز نیز مجموع کشورهای عضو با تولید حدود ۷۴۵ میلیون مترمکعب، رتبه دوم تولید گاز جهان را به خود اختصاص داده‌اند و از نظر تولید برق، رتبه چهارم جهان را با تولید ۱/۲۵۵ میلیون کیلووات بر ساعت دارند. ارزش تولیدات کشاورزی اتحادیه ۱۲۳/۹ میلیارد دلار است که ۵/۵ درصد کل تولیدات کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهد. کشورهای عضو در مجموع رتبه پنجم تولید غلات و حبوبات و رتبه سوم تولید شیر جهان را به خود اختصاص داده‌اند. این کشورها در زمینه تولید استیل، کودهای معدنی و چدن نیز جزئی از پنج تولیدکننده برتر جهان هستند. مجموع مساحت کشورهای عضو این اتحادیه بیش از ۲۰ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن بیش از ۱۸۳ میلیون نفر است که با پیوستن ایران، جمعیت این اتحادیه به ۲۶۶ میلیون نفر خواهد رسید.

جدول (۱) برخی شاخص‌های اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸ را نشان می‌دهد. بیش‌ترین نرخ تورم متعلق به کشور قزاقستان با ۶ درصد و بیش‌ترین نرخ بیکاری نیز متعلق به کشور ارمنستان با ۱۸/۱ درصد است. کشور قرقیزستان با تورم ۱/۵ درصدی و تولید ناخالص داخلی ۸/۱ میلیارد دلاری، کم‌ترین نرخ تورم و تولید ناخالص داخلی و کشور بلاروس با ۰/۸ درصد کم‌ترین نرخ بیکاری را داشته‌اند. بر اساس آمارهای مرکز تجارت بین‌المللی، در سال ۲۰۱۸ حدود ۰/۳ درصد از واردات این کشورها از ایران بوده است. در میان کشورهای عضو این اتحادیه، سهم ایران در تأمین نیاز وارداتی کشور



ارمنستان (حدود ۵/۶ درصد) بیش از سایر کشورها بوده و حدود ۴ درصد از صادرات کالایی این کشور نیز به ایران بوده است.

جدول ۱. برخی شاخص‌های اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸

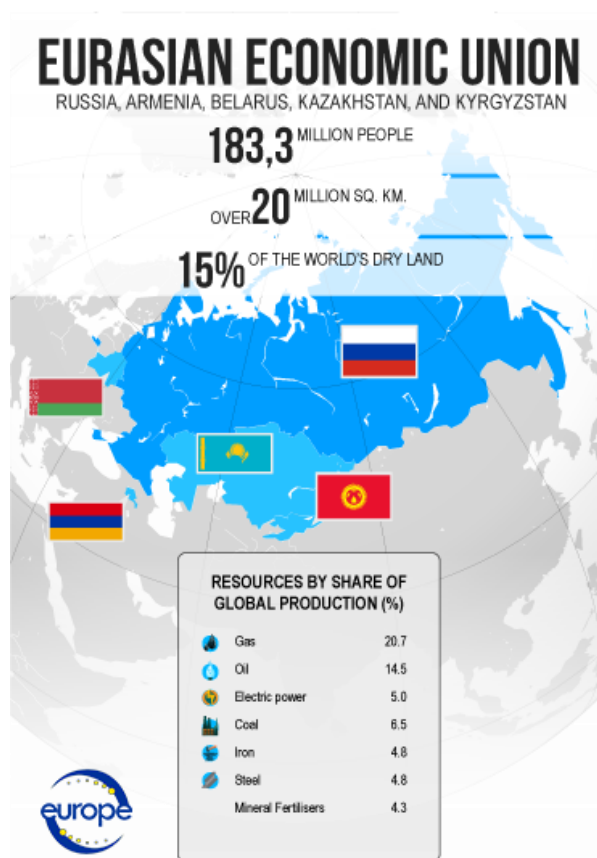
نام کشور	جمعیت (میلیون نفر)	GDP (میلیارد دلار)	نرخ تورم (درصد)	نرخ بیکاری (درصد)	صادرات به جهان (میلیارد دلار)	واردات از جهان (میلیارد دلار)	صادرات به ایران (میلیون دلار)	واردات از ایران (میلیون دلار)	تراز تجاری با ایران (میلیون دلار)
روسیه	۱۴۴	۱۶۳۰/۷	۲/۹	۴/۸	۴۴۹/۳	۲۳۸/۲	۱۲۰۸/۸	۵۳۳/۱	۶۷۵
قزاقستان	۱۸/۵	۱۷۰/۵	۶/۰	۵	۶۱	۳۲/۵	۴۲۶/۸	۸۹/۵	۳۳۷
بلاروس	۹/۵	۵۹/۶	۴/۹	۰/۸	۳۳/۵	۳۸/۲	۳۲/۶	۱۲/۶	۲۰
قرقیزستان	۶/۴	۸/۱	۱/۵	۶/۸	۱/۷	۴/۸	۱۳/۹	۱۳/۷	۰/۲
ارمنستان	۳	۱۲/۴	۲/۵	۱۸/۱	۲/۴	۴/۸	۹۴/۲	۲۶۹/۳	-۱۷۵

منبع: (ITC, 2018)

از منظر اقتصاد سیاسی بین‌المللی تجارت همواره موتور محرکه اقتصاد جهانی و تولیدکننده اصلی ثروت در سطح جهان بوده است. در نظریه‌های همگرایی اقتصادی منطقه‌ای ارتقای تجارت نقش مهمی را ایفا می‌نماید. تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی باهدف ارتقای تجارت در دوران بعد از جنگ جهانی دوم صورت پذیرفت. منطقه‌گرایی اقتصادی دربرگیرنده تمایل گروهی از کشورها در یک محدوده جغرافیایی مشخص برای همکاری اقتصادی است که اولین نشانه‌های آن انعقاد موافقت‌نامه‌های ترجیحی و رشد میزان تجارت و سرمایه‌گذاری بین آن‌ها و درنهایت، تشکیل اتحادیه اقتصادی است (Langenhove, 2016:40). در عصر حاضر عقد موافقت‌نامه‌های ترجیحی منطقه‌ای به‌عنوان یکی از بارزترین مصادیق حرکت کشورها به سمت منطقه‌گرایی در بعد اقتصادی است. چراکه تدابیر مختلف اقتصادی میان یک منطقه همگرا شده، موجب افزایش تجارت در درون منطقه می‌شود و ضمن کاهش رقابت داخلی در ایجاد نظام مکمل تولید نیز کمک می‌کند.

توافق با اتحادیه اقتصادی اوراسیا که در حال تبدیل شدن به یکی از قطب‌های مهم اقتصادی و سیاسی جهان است، علاوه بر اهمیت اقتصادی و تجاری، دارای منافع سیاسی برای طرفین است. همگرایی منطقه‌ای تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر ثبات و امنیت اقتصادی دارد و به دلیل نزدیکی و دسترسی ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، امکان گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، بانکی، حمل و نقل، خدمات فنی و مهندسی و... فراهم می‌باشد. با توجه به پتانسیل

تجاری موجود بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا باید به این مسئله اشاره شود که این اتحادیه قابلیت تبدیل شدن به بازاری بزرگ و مطمئن برای کالاهای صادراتی ایران را دارد.



نقشه ۲. ظرفیت‌های ژئواکونومیک اتحادیه اقتصادی اوراسیا

منبع: <https://mycountryeurope.com>

لذا دسترسی ایران به بازارهای این منطقه با این وسعت، جمعیت و ظرفیت می‌تواند علاوه بر تحکیم همکاری اقتصادی و در نتیجه رشد فزاینده اقتصاد، تجارت و توسعه کشور؛ فرصت‌های شغلی نیز ایجاد نماید. عملیاتی شدن توافق‌نامه تجارت آزاد بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و حضور ایران در این بازار، علاوه بر ایجاد اشتغال، بستر لازم برای جذب سرمایه-گذاری‌های خارجی و داخلی در مناطق آزاد جنوبی و شمالی را هم فراهم خواهد کرد. زیرا در این مناطق سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان از معافیت کامل برای تولید کالاها باهدف صادرات به بازارهای هدف اوراسیا برخوردار هستند و از سوی دیگر در بازارهای هدف نیز از تعرفه ترجیحی بهره‌مند خواهند شد. در نتیجه با هزینه پایین‌تر تولید کالا در این مناطق و هم-

چنین با هزینه گمرکی پایین تر در بازارهای هدف از توان رقابت بالایی در مقابل رقبا برخوردار خواهند شد. منطقه آزاد تجاری هم چنین می تواند انگیزه قوی برای گسترش تجارت دوجانبه و سرمایه گذاری را برای طرفین فراهم آورد. از طریق این توافقنامه، ایران می تواند کالاهایی را که با سرمایه گذاری در کشورهای عضو اتحادیه تولید کرده است، در کل اتحادیه اوراسیا به فروش برساند. حتی به عنوان مثال، قرقیزستان که ترجیحاتی از اتحادیه اروپا برای صادرات کالا بدون مالیات و عوارض دریافت کرده است؛ می تواند این امکان را در اختیار تولیدکنندگان ایرانی کالا در قرقیزستان قرار دهد.

#### ۴.۱. رشد و توسعه اقتصادی

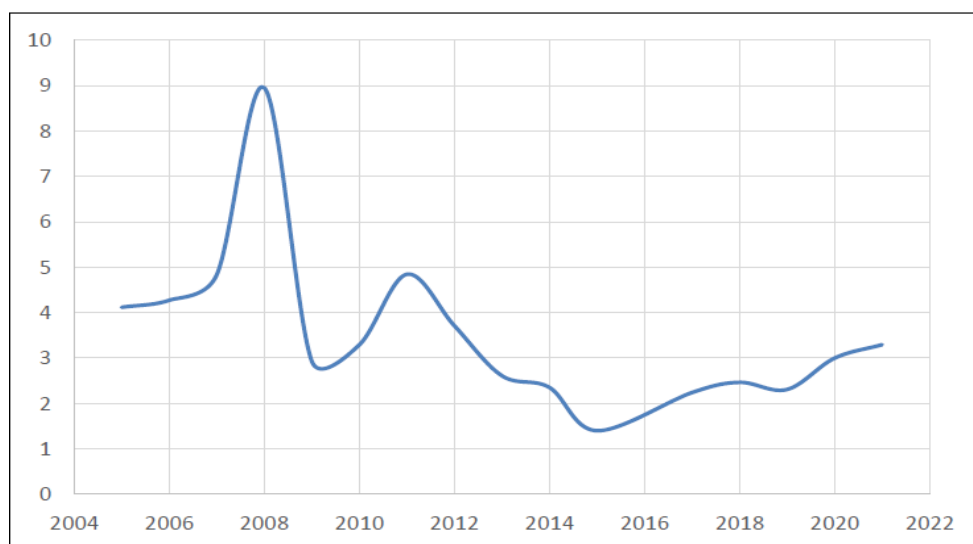
اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک سازمان بین المللی برای ادغام اقتصادی منطقه ای است که دارای شخصیت حقوقی بین المللی بوده و سیاست های هماهنگ و واحدی را در بخش های تعیین شده توسط پیمان ها و موافقت نامه های بین المللی در اتحادیه دنبال می کند (Riggirozzi, 2017: 662). بهبود توسعه پایدار و ارتقای کیفیت سطح زندگی کشورهای عضو، اصلی ترین دلیل شکل گیری اتحادیه اقتصادی اوراسیا بوده است. معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا به تعریف اولویت های اصلی در زمینه سیاست های حمل و نقل، تشکیل و اجرای یک سیاست کشاورزی مورد پذیرش همه و نیز تعریف اهداف بلندمدت و اهداف عملیاتی برای سیاست های صنعتی در اتحادیه بر اساس اصول و مکانیسم های همکاری صنعتی اقدام کرده و مقرر شده است که توسعه و اجرای سیاست ها در زمینه تجارت و مبادله، گمرک و تعرفه ها، رقابت در مالکیت عمومی، حمل و نقل و زیرساخت ها، توسعه کسب و کار، تنظیمات فنی و سایر حوزه ها باید منافع مربوط به توسعه صنعتی در کشورهای عضو را در نظر داشته باشد (Mostafa & Mahmood, 2018: 165). از آنجاکه تصور عملکرد مؤثر در اتحادیه اقتصادی اوراسیا بدون به کار گرفتن سیاست های منسجم در زمینه اقتصاد کلان غیرممکن است، این سیاست ها که شامل توسعه و اجرای کنش های مشترک از سوی دولت های عضو در اتحادیه می شود، باهدف به دست آوردن توسعه اقتصادی متوازن در اتحادیه تنظیم شده است (Mirfakhraee, 2015: 157).

یکی از اهداف مهم موافقت نامه های تجاری، ایجاد تسهیلات و حذف قوانین دست و پاگیر برای تجار و سرمایه گذاران است. امضای موافقت نامه تعرفه ترجیحی و ایجاد منطقه آزاد تجاری میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا هم منجر به توسعه روابط اقتصادی ایران و اتحادیه گردیده و هم می تواند به هاب منطقه ای ایران کمک کرده و کریدور شمال جنوب را تقویت نماید. سیاست اتحادیه اقتصادی اوراسیا نخست در حوزه اقتصاد کلان شامل دستیابی به مؤلفه های کلان اقتصاد مطابق با مقررات ۶۲-۶۳ معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ضمیمه ۱۴ آن و هم چنین واگذاری بخشی از اختیارات در زمینه سیاست های کلان اقتصادی به بخش تخصصی کمیسیون اقتصادی اوراسیا است. سیاست دوم بسط و توسعه داخلی با تمرکز حداکثری بر اجرای قوانین تجارت آزاد و سرمایه گذاری در میان کشورهای اتحادیه و سیاست سوم و چهارم، به گسترش روابط با شرکا و سازمان های خارجی از طریق اعضا و یا سازمان اشاره دارد.

جدول ۲. رشد اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۴ (درصد) منبع: (world Bank)

2019)

کشور	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
ارمنستان	۱/۸	۲/۶	۳/۲	۳/۵	۳/۵	۳/۸
بلاروس	۱/۷	-۳/۹	-۲/۶	-۰/۴	۰/۵	۱/۲
قزاقستان	۴/۲	۱/۲	۱/۰	۲/۴	۲/۶	۲/۹
قرقیزستان	۴/۰	۳/۹	۳/۶	۳/۴	۴/۰	۴/۸
روسیه	۰/۷	-۲/۸	-۰/۲	۱/۳	۱/۴	۱/۴

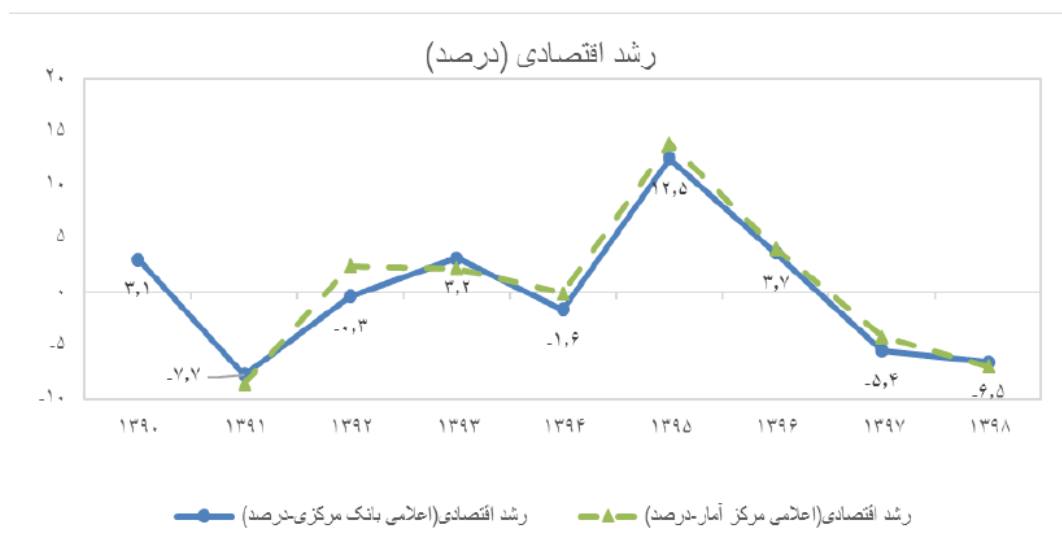


شکل ۱. رشد اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا (درصد)

منبع: (IrICA)

بررسی رشد تولید ناخالص داخلی کشور نشان می‌دهد، این شاخص در دهه جاری به دلیل شوک‌های برونزای ۱۳۹۱، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۷، نوسان‌های شدیدی را تجربه کرده است. دو مقطع ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷ مواجه با شوک تحریم بوده و در سال ۱۳۹۴ مواجه با کاهش شدید قیمت نفت شد. در تحریم ۱۳۹۱ تولید ناخالص داخلی کاهش ۷,۷ درصدی، در شوک ۱۳۹۴ کاهش ۱,۶ درصدی و در شوک ۱۳۹۷ کاهش ۵,۴ درصدی داشت. با رفع تحریم‌ها از اواخر سال ۱۳۹۴، تولید ناخالص در سال ۱۳۹۵ رشد ۱۲,۵ درصدی داشت و در سال ۱۳۹۶، رشد اقتصادی متعادل شد. بازگشت تحریم به فضای اقتصادی کشور از نیمه دوم سال ۱۳۹۶ باعث شد تا بازارهای اقتصادی دچار تلاطم شوند که نتیجه آن افزایش انتظارات تورمی و بی‌ثباتی اقتصاد کلان و در نهایت منفی شدن عملکرد رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۷ (-۵,۴ درصد) بود. در

سال ۱۳۹۸ نیز بسیاری از محدودیت‌های ناشی از تحریم با شدت بیشتر پابرجا بود و در اواخر سال عوارض ناشی از اپیدمی کرونا نیز اضافه شد. مطابق آمارهای بانک مرکزی، تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۸ نسبت به ۱۳۹۷، با نرخ منفی ۶,۵ درصد کاهش یافته است. این میزان کاهش، ۱,۱ واحد درصد بیشتر از سال قبل می‌باشد. (نمودار ۲)



ماخذ: بانک مرکزی و مرکز آمار ایران

شکل ۲. تحولات رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ (درصد)

#### ۲.۴. تجارت خارجی

اتحادیه اقتصادی اوراسیا را باید نوعی از همگرایی منطقه‌ای دانست که باهدف تأمین نیاز و اهداف جمهوری‌های سابق شوروی در زمینه گردش آزاد کالا، سرمایه، خدمات و نیروی کار شکل گرفته است. (Legrenzi, 2008:50) مرحله اجرای اتحادیه گمرکی از ژوئیه ۲۰۱۱ با لغو کنترل گمرکی میان مرزهای داخلی روسیه، قزاقستان و بلاروس عملیاتی گردید و همه نوع کنترل گمرکی و ترخیص کالا به مرزهای خارجی اتحادیه گمرکی منتقل شد. در این مرحله، محدودیت بر سر تجارت آزاد میان سه کشور از میان رفت. این اقدام به‌وضوح به تسهیل تجارت بین کشورهای شریک به‌ویژه در طول بحران مالی و اقتصادی سال ۲۰۱۲ کمک نمود و زمینه تجارت بیشتر میان اعضا را فراهم آورد. (Sajadpour & Soleimani Darchagh, 2016:106)

اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توجه به اقتصاد کشورهای عضو و این‌که میزان توسعه اتحادیه با اقتصاد اعضا رابطه مستقیم دارد، همگرایی با شرکای خارجی را در اولویت قرار داده است تا منتج به دستاوردهای بیش‌تر شود. در این خصوص

تجارت به‌عنوان شاهیت رابطه اقتصادی بین کشورها مطرح می‌گردد و همچون راهکاری اساسی در جهت کسب سود و منفعت بین‌المللی فراروی کشورها قرار می‌گیرد. روابط تجاری هرچه در ساختار خود سود و منفعت بیش‌تری را عاید کشورها نمایند، از جذابیت بیش‌تری برخوردار خواهند بود. یکی از تجربیات موفق در این زمینه ایجاد توافقات تجاری ترجیحی است که جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد بین‌الملل از آن خودساخته‌اند. موافقت‌نامه‌های ترجیحی در واقع نوعی هماهنگی در تعرفه را برای کشورهای عضو به ارمغان می‌آورند که می‌تواند گامی در جهت یکپارچگی اقتصادی تلقی گردد (Tayebi & Taheri, 2005:5).

مهم‌ترین محور جهانی‌شدن اقتصاد، افزایش رقابت در سطح جهان است. به‌عبارت‌دیگر، ایجاد بستر رقابتی، توجه به گسترش صادرات و حذف موانع موجود و به دنبال آن افزایش قدرت رقابت‌پذیری از مهم‌ترین شاخص‌های آماده‌سازی بستر جهانی‌شدن و ورود به آن است. فضای مدرن اوراسیا در راستای فرآیندهای جاری جهانی و چندملیتی توانسته شکل فضایی-زمانی جدیدی کسب کند که در این فضا پوشش‌های محلی و جهانی به هم‌زیستی برسند. تحت این شرایط، که پس از اتحادهای نوین ایجادشده، فضای اوراسیایی برای نخستین بار ویژگی‌های خاصی از منطقه جهانی را پیدا کرده است (Mirfakhraee:2016, 155-156).

با گسترش توافقات و مذاکرات متعدد و در پی آن توسعه سازمان تجارت جهانی و کاهش شدید تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای، گسترش زیادی در رقابت‌پذیر شدن بنگاه‌ها و کشورها صورت گرفته است. بر این اساس، شرکت‌ها و کشورهای مختلف در رویارویی با این رقابت شدید، اقدامات گسترده‌ای به‌منظور انطباق انجام داده‌اند. رقابت در دسترسی به عوامل تولید ارزان و بازارهای مصرف جهانی از جمله دلایل افزایش شدید تجارت خارجی، تولید جهانی، رشد تکنولوژی، حرکت آزادانه سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. از سوی دیگر، کشورها برای حفظ منافع ملی و افزایش توان رقابت در بستر جهانی به منطقه‌گرایی و همکاری‌های اقتصادی توجه زیادی پیدا کرده‌اند.

از دید اقتصاد سیاسی بین‌المللی و طبق فرهنگ و مقررات سازمان تجارت جهانی، منطقه‌گرایی به اقدام‌هایی گفته می‌شود که از سوی کشورهای عضو سازمان‌های منطقه‌ای برای آزادسازی و تسهیل تجارت در آن منطقه در قالب موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای به یکی از اشکال ترتیب‌های تعرفه ترجیحی باهدف ایجاد منطقه آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و نیز اتحادیه اقتصادی انجام می‌گیرد (Soleimanpour & Soleimani Darchagh, 2016:72). در واقع منطقه-گرایی هنگامی کاربرد دارد که دولت‌های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترک هستند، از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی داشته باشند. برای کشورهای در حال توسعه که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این قبیل کشورها و ادغام آن‌ها در اقتصاد جهانی باشد. زیرا از یک طرف کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند به‌تنهایی با اقتصادهای

بزرگ رقابت کنند و از طرف دیگر برخی از اقتصاددانان شکل‌گیری اتحادیه‌های منطقه‌ای را پیش‌درآمد پیوستن کشورها به رقابت جهانی و سازمان تجارت جهانی می‌دانند. زیرا معتقدند آزادسازی اقتصادی باید ابتدا در مناطق هم‌جوار، که سهل‌تر است، تمرین شود تا در نهایت شرایط بهتری برای رقابت در صحنه بین‌المللی به وجود آید.

مفهوم بازارهای مشترک در شناخت اولویت‌های اتحادیه بسیار مؤثر است. این بازارها، فضاهای نوینی از یکپارچگی و تعامل بین دولت‌های عضو در اتحادیه اقتصادی اوراسیا هستند. معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا معین کرده که این اتحادیه باید درون قلمرو خود به اجرای فعالیت‌های بین‌المللی بپردازد و البته این فعالیت‌ها باهدف حل مشکلاتی انجام می‌شود که اتحادیه با آن‌ها مواجه خواهد بود. به‌عنوان بخشی از این فعالیت‌ها، اتحادیه می‌تواند حق مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی با دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و مجموعه‌های یکپارچه بین‌المللی را داشته باشد و افزون بر آن بتواند به‌صورت مستقل یا مشترک همراه با دولت‌های عضو در قلمرو خود معاهدات بین‌المللی ببندد. معاهده اتحادیه اقتصادی اوراسیا نه‌فقط اصول کلی برای همکاری گسترده‌تر بین امضاکنندگان خود را تعیین می‌کند، بلکه حوزه‌های دقیقی را که همکاری در آن‌ها رخ می‌دهد نیز مشخص می‌کند. امضاکنندگان معاهده توافق کرده‌اند تا برای رسیدن به هدف طرح‌شده در اولویت‌ها اقدام به حذف تمام موانع موجود فنی، مدیریتی و هرگونه مانعی کنند که بر سر راه تجارت آزاد قرار دارد (Chufrin, 2015:2).

##### ۵. مقایسه تجارت کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸

مطابق آمار مرکز تجارت بین‌المللی، بررسی وضعیت تجارت کشورهای اوراسیا طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ نشان می‌دهد در مجموع، تمامی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی سال‌های مذکور از پیوستن به اتحادیه منافی را به‌واسطه رشد صادرات به دیگر کشورهای عضو اتحادیه کسب کرده‌اند. کل ارزش تجارت فی‌مابین کشورهای عضو این اتحادیه در سال ۲۰۱۵ حدود ۴۲/۴ میلیارد دلار بوده که در سال ۲۰۱۸ با رشد ۳۶ درصدی به ۵۷/۸ میلیارد دلار رسیده است (جداول ۳ و ۴).

بر اساس این آمارها، به‌طورکلی به نظر می‌رسد کشور ارمنستان بیش‌ترین منفعت را از پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا داشته و صادرات کالایی آن طی مدت مذکور به کشورهای عضو اتحادیه بیش از ۳ برابر شده که بیش از هر چیز به دلیل رشد قابل‌توجه صادرات ارمنستان به کشور روسیه بوده است. در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۱۵، صادرات قزاقستان به ارمنستان با افزایش حدود ۱۱ برابری همراه بوده و به حدود ۵/۶ میلیون دلار رسیده است. ارزش صادرات ارمنستان و قرقیزستان به روسیه نیز به ترتیب بیش از ۳ برابر و ۲ برابر شده است. صادرات ارمنستان به قرقیزستان نیز با وجود آن‌که کم‌ترین رقم صادرات را در میان سایر کشورهای عضو به خود اختصاص داده، اما در سال ۲۰۱۸ نسبت به ۲۰۱۵، حدود ۲ برابر افزایش یافته است. صادرات قزاقستان به کشور قرقیزستان در سال ۲۰۱۸ نسبت به ۲۰۱۵ با کاهش ۸

درصدی مواجه شده و کشور قرقیزستان نیز در سال ۲۰۱۸ کاهش ۰/۱ درصدی در صادرات خود به بلاروس داشته است. ارزش صادرات کشور روسیه به قرقیزستان نیز با ۱۱ درصد رشد نسبت به سال ۲۰۱۵ کم‌ترین میزان رشد صادرات در میان کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸ را به خود اختصاص داده است. در میان کشورهای عضو اتحادیه، به نظر می‌رسد کم‌ترین منفعت را کشور قزاقستان کسب کرده است. به طوری که ارزش صادرات کالایی آن به کشورهای عضو، طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ تنها حدود ۱۶/۴ درصد افزایش یافته است. در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، حجم تجارت روسیه ۳۷ درصد، بلاروس ۴۵ درصد، قزاقستان ۲۰ درصد، ارمنستان ۱۰۱ درصد و قرقیزستان ۱۲/۶ درصد رشد کرده است. در سال ۲۰۱۸، سهم روسیه از کل تجارت کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا ۴۸ درصد، بلاروس ۳۱ درصد، قزاقستان ۱۷ درصد، ارمنستان ۱/۷ درصد و قرقیزستان ۲/۲ درصد بوده است. طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، سهم روسیه و بلاروس از تجارت کشورهای عضو این اتحادیه افزایش و سهم سایر کشورها کاهش یافته است (Tehran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture, 2019).

جدول ۳. ارزش تجارت کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا با یکدیگر در سال ۲۰۱۵

واردکننده صادرکننده	روسیه	بلاروس	قزاقستان	ارمنستان	قرقیزستان	مجموع
روسیه	-	۱۴/۶۶۱	۱۰/۴۱۵	۷۵۱	۱/۲۸۱	۲۷/۱۰۸
بلاروس	۹/۱۴۵	-	۵۰۵	۳۱	۵۴	۹/۸۳۶
قزاقستان	۴/۴۴۱۱	۴۹	-	۰/۵	۵۹۸	۵/۰۵۹
ارمنستان	۲۰۱	۵/۶	۴/۶	-	۰/۳	۲۱۱
قرقیزستان	۱۱۰	۸/۸۳	۲۰۵	۰/۱۳	-	۳۳۳
مجموع	۱۳/۸۶۷	۱۴/۷۲۵	۱۱/۱۳۰	۷۸۲	۱/۹۳۳	۴۲/۴۳۷

ارزش: میلیون دلار

منبع: (ITC, 2019)



جدول ۴. ارزش تجارت کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا با یکدیگر در سال ۲۰۱۸

واردکننده	روسیه	بلاروس	قزاقستان	ارمنستان	قرقیزستان	مجموع
روسیه	-	۲۲/۱۰۷	۱۲/۶۵۸	۱/۲۹۹	۱/۴۱۷	۳۷/۴۸۱
بلاروس	۱۲/۵۲۴	-	۶۸۷	۳۸	۷۵	۱۳/۳۲۴
قزاقستان	۵/۲۲۹	۹۹	-	۵/۶	۵۵۳	۵/۸۸۷
ارمنستان	۶۳۳	۱۰/۴	۸۳	-	۰/۸	۶۵۳
قرقیزستان	۲۶۰	۸/۸۱	۲۲۵	۰/۲۲	-	۴۹۵
مجموع	۱۸/۶۴۷	۲۲/۲۲۶	۱۳/۵۷۸	۱/۳۴۳	۲/۰۴۶	۵۷/۸۴۰

ارزش: میلیون دلار

منبع: (ITC, 2019)

بیشتر مطالعات تجربی و تاریخی بیانگر آن است که عموماً کشورهایی که به دور خود حصار کشیده‌اند؛ از لحاظ اقتصادی با موفقیت چندانی مواجه نشده‌اند و آن دسته از کشورهایی که تجارت خارجی را به‌عنوان نیروی محرک اقتصاد و تأمین‌کننده مالی توسعه اقتصادی مورد استفاده قرار داده‌اند؛ به موفقیت‌های نسبی بیش‌تری دست‌یافته‌اند. یکپارچگی مالی، گسترش مبادلات تجاری، دسترسی راحت‌تر به تکنولوژی‌های جدید، ایجاد اتحادیه‌های مشترک و بازار بزرگ‌تر و تولید با استفاده از صرفه‌های مقیاس نمودی از استفاده از ظرفیت‌های جهانی است. کشورهایی که منافع اقتصادی و پیوندهای سیاسی مشترکی دارند، می‌توانند تجارت آزاد را با سیاست‌های حمایتی ادغام و علاوه بر کاهش محدودیت تجاری مابین خود، کشورهای غیرعضو را با سیاست‌های تبعیضی مواجه سازند.

#### ۶. نقش تعرفه در گسترش مبادلات تجاری ایران با اتحادیه اوراسیا

در سال‌های اخیر، به‌خصوص از دهه ۱۹۹۰ به این‌سو، یکی از مباحث اصلی اقتصاددانان، آزادسازی تجاری و جهانی شدن بوده است. برای ورود به فرآیند جهانی شدن، ایجاد فضای رقابتی، اهمیت بسزایی دارد. به‌عبارتی دیگر، ایجاد بستر رقابتی و حذف موانع موجود برای گسترش صادرات و افزایش تولید از مهم‌ترین عواملی می‌باشند که آمادگی برای فعالیت در بستر جهانی را فراهم می‌سازند. در نتیجه رشد بخش‌های دارای مزیت صادراتی و دسترسی به بازارهای بین‌المللی و منطقه‌ای در کنار بازارهای داخلی زمینه‌ساز گسترش روابط جهانی است. موضوع دسترسی به بازارهای بین‌المللی، ارتباط تنگاتنگی با مبحث جریان‌های تجاری دارد که موضوع تعرفه‌ها در مرکز آن قرار می‌گیرد. با توجه به ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای و نیز لزوم حمایت از صنایع داخلی تنها از طریق تعرفه‌ها، در چارچوب مقررات

سازمان تجارت جهانی، می‌توان به‌صراحت گفت که تعرفه مهم‌ترین ابزار سیاست‌های تجاری است که در اختیار دولت‌ها می‌باشد و مهم‌ترین وسیله برای محدود کردن یا بسط دادن دسترسی به بازارها شناخته می‌شود.

سیاست‌های حمایت تجاری در دو قالب تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم می‌شوند. تعرفه یک نوع مالیات غیرمستقیم بر پایه ارزش یا مقدار واردات کالا می‌باشد. وضع تعرفه در مورد کالاهای وارداتی معمولاً منجر به افزایش قیمت داخلی و کاهش مصرف آن‌ها و در نتیجه کاهش واردات آن محصول می‌شود. هر اقدام دولتی به‌جز برقراری تعرفه که مستقیماً مانعی برای ورود کالا به کشور دیگر گردد و یا به‌صورت تبعیض‌آمیز در مورد کالاهای وارداتی عمل کند را به‌عنوان موانع غیر-تعرفه‌ای تعریف می‌کنند. موانع غیرتعرفه‌ای (مانند مجوزهای لازم برای واردات) معمولاً باعث محدودیت کمی بر میزان واردات می‌شوند و به‌طور غیرمستقیم باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی به کشور و در نتیجه موجب کاهش مصرف این محصولات در داخل کشور می‌گردند.

سیاست جایگزینی واردات که در دهه اول انقلاب اسلامی به‌منظور رسیدن به خودکفایی تبلیغ و اعمال شد، سبب ایجاد موانع غیرتعرفه‌ای زیادی در آن دوره گردید. تولیدکنندگان بدون توجه به مزیت‌های نسبی در تولید کالاها و خدمات و در فضای غیررقابتی عمل می‌کردند. تغییر این سیاست به سیاست توسعه صادرات در دهه‌های اخیر، موجب سمت‌گیری برنامه‌ریزان اقتصادی کشور به حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن‌ها به مقررات تعرفه‌ای معقول شده است؛ اما تعدادی از این موانع هنوز پابرجاست. غیررقابتی بودن اقتصاد ایران مانع اصلی در حرکت به‌سوی تعامل گسترده‌تر با اقتصاد جهانی است. ایران نتوانسته حتی با کشورهای همسایه خود ترتیبات نوعی از تعرفه‌های ترجیحی را به آزمایش بگذارد و حتی نتوانسته در داخل سازمان آکو به توافقی در جهت استقرار تعرفه‌های ترجیحی دست یابد و این موجب در انتظار ماندن کشورهای عضو از سال ۲۰۰۳ برای دریافت لیست کالاهای مشمول ایران شده است.

امروزه به دلایل مختلف، ملت‌ها احساس می‌کنند که باید سیاست‌های اقتصادی‌شان را با یکدیگر هماهنگ نمایند. این هماهنگی منافی ایجاد می‌کند که از طریق دیگر امکان‌پذیر نیست. همچنین مشخص شده است کشورهایی که تعرفه صفر را در مقابل یکدیگر وضع می‌کنند با احتمال بیش‌تری نسبت به وضعیتی که حتی کشورها تعرفه بهینه را در مقابل یکدیگر وضع می‌کنند، سود خواهند برد. اصولاً هر نوع توافقی که باعث شود کشورها، سیاست‌های پولی و مالی و تجاری خود را هماهنگ سازند، به یکپارچگی اقتصادی اشاره دارد. بر این اساس، درجات مختلفی از یکپارچگی اقتصادی وجود دارد. توافقات تجاری ترجیحی شاید ضعیف‌ترین شکل یکپارچگی اقتصادی باشد و امروزه از آن به‌عنوان اولین مرحله ادغام-سازی یاد می‌شود. در یک موافقت‌نامه تجارت ترجیحی بین کشورهای عضو، کاهش‌های تعرفه‌ای را (اگرچه شاید به حذف آن‌ها منجر نگردد) برای طبقه‌ای از محصولات به کشورهای شریک پیشنهاد می‌دهند. درحالی‌که تعرفه‌های بالاتر، تعرفه‌های غیرتبعیضی، برای دیگر طبقات محصولات باقی خواهد ماند (Tayebi & Taheri, 2005:5).

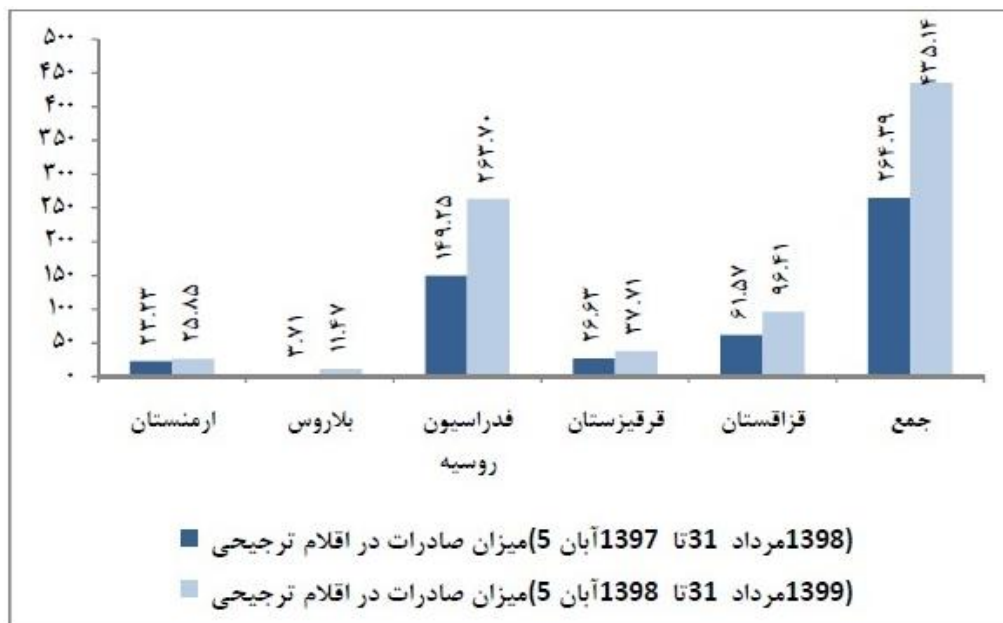
طبق اعلام سازمان تجارت جهانی ۵۰ درصد صادرات کالایی جهان در سال ۲۰۰۸ تحت پوشش موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی صورت می‌گرفت که این میزان در سال ۲۰۱۸ از افزایش بیش‌تری برخوردار بوده است. تعداد موافقت‌نامه‌های امضا شده در سال ۱۹۹۰ میلادی ۷۰ مورد و در سال ۲۰۱۶ میلادی ۶۴۵ مورد ثبت شده است که این امر گویای تمایل کشورها جهت تسهیل تجارت از طریق رفع موانع تعرفه‌ای است. بر این اساس در شرایط حاضر نه تنها موافقت‌نامه‌های تجاری با کاهش تعرفه‌ها، زمینه دسترسی تولیدکنندگان داخلی به بازارهای جدید را فراهم می‌کنند؛ بلکه این امکان را نیز به وجود می‌آورند که مشارکت در زنجیره جهانی ارزش بین کشورهای طرف موافقت‌نامه تسهیل شود. از این نظر جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد با عقد توافق‌های تجاری نسبت به فراهم‌سازی زمینه لازم برای مشارکت بنگاه‌های اقتصادی ایرانی در طول زنجیره جهانی ارزش را فراهم نماید. توافق‌نامه ایجاد منطقه آزاد تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا اقدام جدی ایران برای تحقق هدف فوق‌الذکر محسوب می‌گردد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا تعرفه بیش از ۵۰۰ کالا را صفر می‌کند. عضویت ایران در این اتحادیه به صادرات کالا کمک می‌کند. در گذشته برای صادرات کالا به روسیه، تعرفه‌های زیادی برای کالاهای ایرانی لحاظ می‌شد و عملاً امر صادرات چندان به‌صرفه نبود. زیرا وقتی تعرفه‌ها بالا باشد، امکان صادرات برای کشوری که تعرفه دارد در رقابت با کشورهایی که این تعرفه‌ها را پرداخت نمی‌کند، مشکل است. وقتی برای ایران تسهیلات تجاری قائل شوند و تعرفه‌ها را حذف کنند، کالای تولیدی می‌تواند صادر شده و قابلیت رقابت با بقیه کشورهای صادرکننده را داشته باشد.

جدول ۵. تجارت ایران با کشورهای اوراسیا

کشور	۱۳۹۴		۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۸ ماهه ۱۳۹۸	
	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات
روسیه	۱۷۳/۱	۵۱۷/۴	۲۱۹/۰	۱۵۴۴/۱	۲۹۲	۷۲۷	۲۸۰	۱۳۴۲	۲۱۶	۷۶۵
قزاقستان	۱۳۷/۹	۸۷/۲	۱۷۳/۵	۲۱۰/۸	۱۶۸	۶۶۷	۱۳۰/۴	۸۷	۶۰	۶۴
ارمنستان	۱۰۲/۱	۱۳/۳	۱۷۹/۲	۲۰/۹	۲۰۲	۲۵/۸	۱۵۸/۶	۲۲/۶	۲۴۱	۲۱
قرقیزستان	۲۲/۱	۱/۷	۲۶/۶	۳/۵	۳۸۷	۶۱	۳۳/۲	۱۱/۳	۳۴	۷
بلاروس	۴/۰	۲۳/۶	۲/۵	۲۹/۲	۱/۷	۳۱/۹	۲/۷	۲۳/۹	۶	۱۰
جمع کل	۴۳۹/۲	۶۴۳/۲	۶۰۰/۸	۱۸۰۸/۴	۷۰۲/۴	۸۵۷/۵	۶۰۵	۱۴۸۶/۸	۵۵۹	۸۷۸

ارزش: میلیون دلار

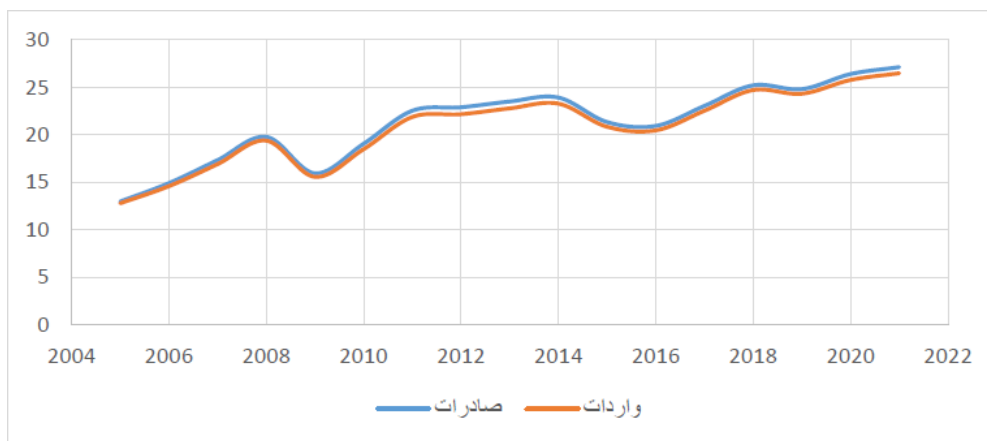
Source: Iran Trade Development Organization, 2019.



شکل ۳. میزان صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا در اقلام ترجیحی به تفکیک کشورهای عضو اتحادیه

Source: Iran Trade Development Organization, 2019

ارزش صادرات و واردات کالایی ایران به کشورهای اوراسیا طی دو ماهه نخست ۱۴۰۰ به ترتیب ۱۸۰٫۲ میلیون دلار و ۲۰۱٫۸ میلیون دلار بوده که نسبت به مدت زمان مشابه سال قبل با افزایش ۶۶ درصدی همراه بوده است. طی دو ماهه نخست ۱۴۰۰ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، صادرات کالایی ایران به همه طرف‌های تجاری اوراسیا افزایش و در مقابل واردات (به‌استثنای بلاروس) کاهش داشته است. طی مدت موردبررسی، تراز تجاری ایران با همه کشورهای اوراسیا به‌جز روسیه، به نفع ایران، مثبت بوده ضمن اینکه کسری تراز تجاری با روسیه نیز در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است. در مجموع، برآیند تحولات مزبور منجر به بهبود ۹۱٫۹ درصدی کسری تراز تجاری ایران با کشورهای اوراسیا طی دو ماه ابتدایی سال ۱۴۰۰ شده است.



شکل ۴. صادرات و واردات ایران بر حسب میلیون دلار  
منبع: (IrICA)

#### ۷. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا کشورهایی از آسیای مرکزی و شمالی و اروپای شرقی هستند که شامل بلاروس، قزاقستان، روسیه، ارمنستان و قرقیزستان می‌باشند. تعرفه گمرکی در تجارت کالایی بین اعضای اتحادیه صفر است و اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تعرفه خارجی مشترکی برای کالاهایی که از خارج از اتحادیه وارد می‌شوند، اعمال می‌کنند. اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای ارتقای رقابت و همکاری بین اقتصادها و بهبود توسعه پایدار به‌منظور بهبود سطح زندگی کشورهای عضو ایجاد شده است. یکی از نتایج آن این است که این اتحادیه به‌عنوان یک نهاد واحد در مذاکرات بین‌المللی نظیر مذاکره با سازمان تجارت جهانی وارد می‌شود و دیگر لازم نیست هر کشور به‌صورت جداگانه وارد مذاکره شود.

از منظر مؤسسان اتحادیه اقتصادی اوراسیا، این اتحادیه می‌تواند بازار بزرگی در چارچوب قوانین سازمان تجارت جهانی ایجاد کند و تجارت میان اعضا را بهبود بخشد و تسهیلات بسیاری را در این زمینه برای کشورهای عضو به ارمغان آورد. از همین رو، اعضای آن موافقت خود را با تردد آزاد کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات در مرزهای اوراسیا بیان داشته‌اند. هم‌چنین اعلام کرده‌اند که سیاست هماهنگ‌شده‌ای در زمینه انرژی، صنایع، حمل‌ونقل و بخش کشاورزی را دنبال خواهند کرد و در پی ایجاد بازارهای مشترک نفت و گاز، بازار واحد عرضه دارو و نیز بازار واحد تولید و عرضه نیروی برق به‌منظور تعمیق همکاری اقتصادی با یکدیگر هستند.

رشد منطقه‌گرایی و میل به ایجاد همگرایی‌های اقتصادی در چارچوب‌های گوناگون روزبه‌روز در حال گسترش است. به‌طوری‌که امروزه کم‌تر کشوری را می‌توان یافت که عضو حداقل یک نهاد با کارکرد اقتصادی نباشد. تلقی از همگرایی

اقتصادی به‌عنوان موتور توسعه سبب استقبال کشورها از گسترش همکاری‌های اقتصادی شده است. کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، بهبود فضای کسب‌وکار و تسهیل در جریان مبادلات ارزی و مالی کشورها در قالب طرح‌های همگرایی می‌تواند عامل توسعه و استحکام این روابط گردد و دسترسی به بازار کشورهای مورد مطالعه برای صادرکنندگان ایران با شناخت بخش‌ها و کشورهای هدف و الگوبرداری از کشورهای عضو طی فرآیند همگرایی و رسیدن به درجه توسعه-یافتگی بالا حتی در کوتاه‌مدت نیز می‌تواند اتفاق افتد. ایران نیز با اتخاذ یک دیپلماسی واقع‌بینانه، پویا، همه‌جانبه و سازگار با واقعیت‌های کشورهای عضو اتحادیه می‌تواند میان انبوهی از فرصت‌ها چه در بخش کالایی و چه در بخش غیرکالایی نظیر خدمات حمل‌ونقل و خدمات فنی و مهندسی سهم مناسبی از ظرفیت‌های بازار کشورهای عضو را در اختیار گیرد و در راستای تأمین هرچه بیشتر منافع ملی، گسترش و تعمیق روابط میان طرفین و دست‌یابی به جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری طبق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله تا سال ۱۴۰۴ گام بردارد.

آزادسازی تجاری، رقابت در تولید را بیش‌تر کرده و کیفیت کالاها را با هزینه کم‌تر افزایش می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، هر کشوری که بخواهد در صحنه رقابت‌های بین‌المللی وارد شود، مجبور است با اصلاح ساختارهای تولیدی، منابع را به‌صورت بهینه و کارا تخصیص دهد و از راه کشف مزیت‌های نسبی، افزایش فعالیت‌های پژوهشی برای ابداع و نوآوری، کاهش بوروکراسی و تشریفات در مسیر تولید، برای بقای خویش در این رقابت شدید، تلاش نماید. با وجود این‌که اقتصاد ایران عمدتاً دولتی و تحت حمایت‌های دولت است و توان رقابت با اقتصاد جهانی را ندارد، ورود به موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای می‌تواند زمینه‌های رقابتی ایران را مشخص کرده و کشور را برای ورود به عرصه بین‌المللی آماده نماید. امضای این موافقت‌نامه هم‌چنین در شرایطی که آمریکا در ادامه بدعهدی‌های خود، با خروج یک‌جانبه از برجام، قصد دارد ایران را در فشار اقتصادی قرار دهد؛ اقدامی مثبت تلقی شده و می‌تواند نقش مؤثری در جهت مقاوم‌سازی اقتصاد ایران داشته باشد. ایران با چند کشور توافق‌های تجاری دوجانبه امضا نموده ولی توافق با اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک تجربه جدی در توافق با یک اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای است و یکی از کامل‌ترین و مفصل‌ترین موافقت‌نامه‌های تجاری ایران است.

ایران در سال‌های پس از انقلاب موضوع منطقه‌گرایی و همگرایی اقتصادی را به‌شدت دنبال نموده است و از آنجایی‌که برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آن‌ها در اقتصاد جهانی باشد. تعامل با چنین کشورهای الگوی مناسبی برای پیشرفت کشور ایران بوده و توسعه روابط تجاری با آن‌ها می‌تواند زمینه‌های رشد اقتصادی ایران و حضور پررنگ‌تر آن در عرصه تجارت جهانی را ایجاد نماید. ایران از تعرفه‌های ترجیحی برای صادرات غیرنفتی استفاده می‌کرده است؛ اما از آنجاکه این‌گونه صادرات، نسبت به صادرات نفت بسیار کم‌اهمیت می‌باشد، این امر کمکی به فعال شدن کشور برای ورود به اتحادیه‌های منطقه‌ای نموده است. حال که تفاهم جدی در بین سیاست‌گذاران و اقتصاددانان به

وجود آمده که رشد و توسعه اقتصاد ایران منوط به گسترش صادرات است و به علاوه استفاده ایران از تعرفه‌های ترجیحی در اروپا از فوریه سال ۲۰۱۴ متوقف شده است، ضرورت دارد در این دنیای به هم پیوسته، چگونگی ورود به این وادی هرچه زودتر برنامه‌ریزی شده و تمرین گردد.

به منظور عضویت ایران در اتحادیه اوراسیا کاهش تعرفه‌ها می‌بایست مطابق زمان‌بندی با سرعت بیش‌تری صورت پذیرد و عضویت ایران در پیمان‌های منطقه‌ای جدید می‌تواند برای دستیابی به اهداف توسعه روابط اقتصادی بین‌المللی مفید باشد. چراکه در چارچوب چنین تشکلهایی موانع تجاری و تعرفه‌ها در سطح منطقه حذف می‌گردد و دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر فراهم می‌شود. هم‌چنین ایران بایستی به مسئله تعرفه‌ها توجه کند. در صورتی که تعرفه‌های گمرکی ایران بالاتر از حد متناسب با تعرفه اتحادیه اوراسیا باشد، شکل‌گیری تعاملات با شکست مواجه می‌شود و اگر از حد متناسب پایین‌تر باشد، ابزارهای برتری اقتصادی را به دست طرف مقابل می‌بخشد.

در شرایط حاضر ایران نیز با عنایت به شرایط پیرامونی خود و شرایط بین‌المللی اهمیت زیادی برای توسعه روابط ایران و اتحادیه اوراسیا در سطح گفتگوهای بین دولتی در حوزه اقتصاد قائل است. بنابراین به منظور اتخاذ سیاست‌های مناسب در ایجاد ارتباط با کشورهای مذکور مطالعه و پژوهش ضروری می‌نماید.

#### کتابنامه

1. Alavi Far, S.A.H. (2016). The Process of Formation of the Eurasian Economic Union and its Economic Capacities. *IRAS Proceedings*, No. 9402. [In Persian]
2. Aziznejad, S., Tari, F., & Seyednourani, S.M.R. (2011). Iran Joining WTO and Its Effects on the Import of Capital-Intermediate Commodities. *Journal of Economic Growth and Development Research*, 1(3), 99-134. [In Persian]
3. Chufirin, G. (2015). Eurasian Economic Union: Undergoing a Durability Test. *Russian Analytical Digest*, No.170, 2-5.
4. Courtney W. (2015). Remarks on the Eurasian Economic Union. *Central Asia Economic papers*, No.12.
5. Falk, R. (2004). *The Declining World Order: America's Imperial Geopolitics*. New York: Routledge.
6. Freedman, R. (2006). Russia, Iran and the Nuclear Question: The Putin Record. *The Strategic Studies Institute (SSI)*, Available at: <http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil> (Accessed on: 06/02/2020).
7. Langenhove, L.V. (2016). *Building Regions: the Regionalization of the World Order*. New York: Routledge.
8. Legrenzi, M. (2008). *Beyond Regionalism? Regional Cooperation, Regionalism and Regionalization in the Middle East*. New York: Routledge

9. Li, Y. (2018). The Greater Eurasian Partnership and the Belt and Road Initiative: Can the Two Be Linked?. *Journal of Eurasian Studies*, 9(2), 94-99.
10. Mankoff, J. (2011). *Russian Foreign Policy: the Return of Great Power Politics*. Maryland: Rowman and Littlefield Publishers, INC.
11. March, L. (2012). Nationalism for Export? The Domestic and Foreign-Policy Implications of the New Russian Idea. *Europe-Asia Studies*, 64(3), 401-425.
12. Mirfakhraee, S.H. (2015). Geo-Economic Occasions for Iran after Eurasian Economic Union Formation. *Studies of International Relations Journal*, 8(32), 143-175. [In Persian]
13. Mostafa, G., & Mahmood, M. (2018). Eurasian Economic Union: Evolution, Challenges and Possible Future Directions. *Journal of Eurasian Studies*, 9(2), 163-172.
14. Noori, A. (2019). Iran, Russia and Eurasian Integration; Benefits of Active Regionalism. *Central Eurasia Studies*, 12(1), 235-252. [In Persian]
15. Riggiozzi, P. (2017). Regional Integration and Welfare: Framing and Advocating Pro-Poor Norms through Southern Regionalisms. *New Political Economy*, 22(6), 661-675.
16. Saeedi, R., Saeedi, Kh., & Dehghani, A. (2014). Feasibility of Establishing Preferential Trade Agreement with Iran and Countries of Brics. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 22(69), 107-130. [In Persian]
17. Sajadpour, S.M.K., & Soleimani Darchagh, M. (2016). Russia's Eurasian Integration Dissection; Conceptual and Operational Framework. *Journal of Central Asia and the Caucasus Studies*. 21(90), 67-117. [In Persian]
18. Shlapentokh, D. (2006). *Russia between East and West: Scholarly Debates on Eurasianism*. Brill Academic Pub.
19. Soleimanpour, H., & Soleimani Darchagh, M. (2016). Economic Integration in Central Eurasia in Line with Cantouri and Spiegel Models. *Journal of Central Asia and the Caucasus Studies*, 22(93), 69-97. [In Persian]
20. Tabac, M. (2016). Regionalism and Economic Processes with Global Implications. CSEI Working Paper Series, Center for Studies in European Integration (CSEI), Academy of Economic Studies of Moldova (ASEM), No. 1, 22-30.
21. Tayebi, S.K., & Taheri, S. (2005). Investigating the Effects of Economic Convergence between Iran and Economic Unions (Panel Data Approach). *The Journal of Planning and Budgeting*, 10(2), 3-28. [In Persian]
22. Tehran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture. (2019). Deputy of Economic Studies, Tehran, Iran. [In Persian]
23. Valizadeh, A., & Alizadeh, S. (2018). Exploring the Roots of Continuity in the Foreign Policy of the Russian Federation during Putin's Rule. *Central Eurasia Studies*, 11(2), 513-529. [In Persian]